

نقد اجتماع و ساسه عطر دشنوی مای

چکیده

عطار نیشابوری شاعری عارف است و عرفا، هستی خود را در خدمت سعادت بشری می‌دانند. با توجه به ناسامانی اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در قرن هفتم، و اینکه این اوضاع ناسامان با جهان آرمانی مورد نظر عطار فاصله بسیار داشته است، وی در سروده‌هایش، گروه‌ها و اقشار مختلفی را که در ایجاد و تشدید این اوضاع آشفته نقشی داشته‌اند، مورد انتقاد و اعتراض قرار داده است.

در این مقاله نگارنده کوشیده است نقدهای اجتماعی و سیاسی موجود در مثنوی‌های عطار را بررسی کند. در بخشی از این مقاله نیز شیوه‌های نقادی عطار مورد بررسی قرار گرفته است.

عطار در چهار مثنوی عرفانی‌اش (منطق الطیر، مصیبت‌نامه، الهی‌نامه و اسرارنامه) در قالب حکایات و تمثیل‌های گوناگون از گروه‌ها و قشرهای مختلفی انتقاد می‌کند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: صاحبان جاه و مقام، شیفتگان زر و ثروت، دنیادوستان، صوفیان ظاهر نما، ریاکاران و مدعیان عشق.

نقدهای اجتماعی و سیاسی عطار در بیداری جامعه نقشی اساسی داشته است. ما نیز با مطالعه این مطالب می‌توانیم با اوضاع اجتماعی و سیاسی عصر عطار و شخصیت خود شاعر به عنوان یک منتقد بیشتر آشنا شویم.

کلید واژه‌ها:

انتقاد، جامعه، مبارزه، حکومت، عطار.

یوسف جان پرور

کارشناس ارشد

زبان و ادب فارسی و

دبیر دبیرستان‌های

بجنورد



با توجه به نابسامانی
اوضاع اجتماعی و
سیاسی ایران در
قرن هفتم و اینکه
این اوضاع نابسامان
با جهان آرمانی
عطار فاصله بسیار
داشته است، وی در
شعرهایش گروه‌ها و
اقشار گوناگون را که
در نابسامانی جامعه
نقشی داشته‌اند، مورد
انتقاد و اعتراض قرار
می‌دهد. هدف عطار از
بیان انتقاد و مبارزه
با این گروه‌ها، بیداری
جامعه در آن عصر
خفقان از یک طرف
و اصلاح جامعه و
تغییر رفتار حاکمان و
صاحبان جاه و مقام و
ثروت، از طرف دیگر
است.

مقدمه

هنرمندان، شاعران و نویسندگان، در جامعه و با مردم زندگی می‌کنند. آنان درد مردم را می‌فهمند؛ زیرا خود نیز جزئی از همین مردم هستند. از طرفی آنان زندگی حاکمان جامعه و طبقات مرفه را نیز می‌بینند و آن را با زندگی عامه مردم می‌سنجند و هرگاه تعارض یا تناقضی بین گفتار و رفتار آنان مشاهده کردند، انتقاد و اعتراض خویش را با زبان هنری بیان می‌کنند؛ هنرمند با زبان هنر، شاعر با زبان شعر و نویسنده با زبان نثر.

عطار نیشابوری، شاعری عارف است و مانند دیگر عرفا، هستی خود را در خدمت سعادت بشری - که همان قرب الی‌الله است - می‌داند. عطار، زاده دو نوع محیط است: یکی محیط واقعی که در آن زندگی می‌کرد و دیگر محیط آرمانی موردنظر او که همان مدینه فاضله است. با توجه به نابسامانی اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در قرن هفتم و اینکه این اوضاع نابسامان با جهان آرمانی عطار فاصله بسیار داشته است، وی در شعرهایش گروه‌ها و اقشار گوناگون را که در نابسامانی جامعه نقشی داشته‌اند، مورد انتقاد و اعتراض قرار می‌دهد.

هدف عطار از بیان انتقاد و مبارزه با این گروه‌ها، بیداری جامعه در آن عصر خفقان از یک طرف و اصلاح جامعه و تغییر رفتار حاکمان و صاحبان جاه و مقام و ثروت، از طرف دیگر است. پس، برای شناخت بهتر عطار به عنوان یک شاعر و عارف منتقد و همچنین آشنایی بیشتر با اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر عطار، مطالعه آثار وی و کشف و شناخت نقدهای اجتماعی و سیاسی در اشعار او لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

در مورد پیشینه این تحقیق باید گفت، تاکنون پژوهشگران، نویسندگان و صاحب‌نظران زیادی درباره شخصیت، آثار و اندیشه‌های عطار کارهای ارزشمندی ارائه داده‌اند؛ به‌ویژه در قرن حاضر که به قول استاد زرین‌کوب: «در کشف عطار سرآهنگ قرن هاست». در این میان، از جمله کسانی که در این مورد پژوهش‌های قابل ملاحظه انجام داده‌اند و کشف عطار مدیون پژوهش‌های آنهاست، از نسل گذشته: سعید نفیسی، بدیع‌الزمان

فروزانفر، استاد هلموت ریتر (محقق آلمانی)، سیدصادق گوهرین و محمدجواد مشکور و عبدالحسین زرین‌کوب را می‌توان نام برد. در بین نسل حاضر که هنوز در ایران به تحقیق و پژوهش اشتغال دارند، آثار کسانی چون محمدرضا شفیعی کدکنی، تقی پورنمداریان، محمد استعلامی، رضا اشرف‌زاده، پوران شجیعی و سهیلا صارمی در خور ذکر است.

سهیلا صارمی در بخش‌هایی از کتابش، «سیمای جامعه در آثار عطار»، برخی نقدهای اجتماعی را در آثار عطار بررسی کرده است. به جز این کتاب، پژوهش‌های دیگری نیز در ارتباط با این موضوع به صورت پراکنده چاپ شده که ذکر نام همه آنها، در این مجال کوتاه میسر نیست.

تعاریف

نقد: کلمه «نقد» خود در لغت به معنی «بهین چیزی را برگزیدن» و نظر کردن است در دراهم، تا در آن به قول اهل لغت سره را از ناسره باز شناساند. (زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۵)

نقد اجتماعی: بعضی از منتقدان در نقد آثار ادبی مبانی اجتماعی را معتبر دانسته‌اند. تحقیق درباره نحوه ارتباط ادبیات با جامعه موضوع نقادی این دسته از نقادان است. شک نیست که محیط ادبی از تأثیر محیط اجتماعی برکنار نتواند بود. افکار و عقاید و ذوق‌ها و اندیشه‌ها تابع احوال اجتماعی می‌باشد. در روش نقد اجتماعی تأثیری که ادبیات در جامعه دارد و نیز تأثیری که جامعه در آثار ادبی دارد، مورد مطالعه است. (زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۴۱)

۱. اوضاع اجتماعی عصر عطار

دورانی که عطار در آن می‌زیست، هر چند دوران شکوفایی شعر و نثر فارسی به‌شمار می‌رود، یکی از صعب‌ترین دوران‌های تاریخی است که به سبب کثرت وقایع و حوادث ناگوار، کمتر کسی است که آن را مطالعه کند و دچار تأثر و حسرت نشود. این دوره همچنان با تسلط ترکان همراه است و به‌رغم آنکه

بعضی آن را آغاز عصر فعالیت‌های اقتصادی و تجاری ایران می‌دانند، همه چیز از آشفتگی اوضاع و فقر و نابسامانی مردمان حکایت دارد. (صارمی، ۱۳۸۲: ۱۳)

«دنیایی که عطار در آن می‌زیست، از دنیای آرمانی‌اش فاصله بسیار داشت. در آن ایام، دیگر طریقه قدما از یاد رفته بود و کسانی که در بین خلق به عنوان زاهد و عابد و عارف و صوفی شناخته می‌شدند. غالباً جز در ظاهر حال و تکرار اقوال، با قدمای آنها هیچ‌گونه شباهت نداشتند. آنها که خود را مدرس یا مذکر می‌خواندند، فقط خود را و خلق را فریب می‌دادند. عارفان جز گردن‌های ستبر و سرهای پرسودا چیزی نداشتند. صوفیان از آنچه لازمه تصوف واقعی بود، فقط اشتباهی داشتند که صوفیان را به پرخوری و شکم‌بارگی مشهور می‌کرد. بزرگان اهل طریق متواری بودند و عزیزان حق به خواری افتاده بودند. دنیایی بود که محمد خوارزمشاه از علاقه به صوفیه دم می‌زد و مجدالدین بغدادی، صوفی بزرگ عصر، را به یک حکم بوالهوسانه در امواج جیحون غرق می‌کرد. خلیفه وقت، الناصر لدین الله، زنان حکام را می‌ربود و به حرم‌سرای خویش می‌برد و در بغداد خلافت رسول خدا را به سلطنت مستبدانه تبدیل می‌کرد. خلاصه دنیایی آشفته، خون‌آلوده و گنهکار بود.» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۱۸ و ۱۹)

«پیداست که این همه نابسامانی نمی‌توانسته است در روح حساس و حقیقت‌جوی عطار بی‌تأثیر باشد. این دوران بی‌هنجار که از اوج تا فرود ارمغانی جز فقر و نگون‌بختی عاید مردمانش نبود، کمابیش ردپای خود را در آثار عطار، این شاعر بینا دل‌درد آشنا، بر جای نهاده است. او تا آنجا که حیطة شعر مجالش می‌دهد قشرها و طبقات گوناگون جامعه را با عادات و آداب، سنت‌ها، آرا و اندیشه‌ها، گفتار و رفتار و خلاصه آنچه مربوط به تربیت عمومی عصر است، توصیف کرده و در ضمن این توصیف‌ها، گه‌گاه اشاراتی به نام‌ها و حوادث تاریخی نموده است و البته آنچه آثار ادبی را از تاریخ‌های نگاشته ممتاز می‌کند، همین ثبت و ضبط لحظه لحظه زندگی مردمان به زبان حال است.» (صارمی، ۱۳۸۲: بیست، بیست و نه)

۲. جهان آرمانی عطار

«عصر و محیط آرمانی عطار، عصر و محیط صحابه و تابعین آنهاست. عصر و محیط زاهدان معرض از دنیا، عصر و محیط واعظان معترض بر تجمل‌ها و افزون‌طلبی‌ها و عصر و محیط صوفیان صدق و صفاست. دوره‌ای است که در آن حاکم دماوند، شبلی، وقتی از شغل خویش کناره می‌گیرد، به دور و نزدیک ولایت راه می‌افتد و از خود ردّ مظلّم می‌کند و به خاطر آنچه کرده یا نکرده، از مردم حلالی می‌طلبد. عصری است که در آن یک راهزن تبهکار، چون فضیل عیاض، ناگهان تحت تأثیر آیه‌ای از قرآن کریم چنان صادقانه توبه می‌کند که در اندک مدت در ردیف صدیقان عصر قرار می‌گیرد. در عصر و محیط

آرمانی عطار که روح او در لحظه‌های خلوت و فراغت جز در آن قرار نمی‌یابد، پارسا زنی چون رابعه عدویه هست که از محبت حق پروای محبت رسول را ندارد؛ بشر حافی‌ای هست که بر خاک زمین پابرهنه قدم نمی‌نهد تا بساط فرمانروای عالم را به پای خویش لگد نکند و نیالاید. عصر و محیط آرمانی‌ای که در آن توبه‌کاری چون حبیب عجمی به چنان مرحله‌ای از اخلاص می‌رسد که بی‌پروا پای بر آب دریا می‌نهد و به آن سوی آب می‌رسد. بایزیدی هست که بر سر کوی او ابلیس را بر دار می‌کنند تا چرا کسی از اهل بسطام را که قلمرو اوست وسوسه کرد. بوسعیدی هست که شب‌ها خویشتن از سر چاه فرو می‌آویخت و ختم قرآن می‌کرد.» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۱۷)

حال اگر اوضاع اجتماعی عصر عطار را از یک طرف، و جهان آرمانی یا مدینه فاضله او را از طرف دیگر، در ذهن خود مجسم کنیم، متوجه می‌شویم که نه تنها هیچ‌گونه قربانی بین این دو فضا وجود ندارد بلکه بین آرمان‌های او و واقعیت‌های زندگی‌اش فاصله بسیاری وجود دارد.

در چنین محیطی، عطار که خود یک شاعر عارف است، رسالت شاعری‌اش را به خوبی انجام می‌دهد. او ضمن تعالیم عرفانی و اخلاقی‌اش، هر جا که مجال می‌یابد، از افراد و گروه‌هایی که برخلاف جهان آرمانی او حرکت می‌کنند، به شدت انتقاد می‌کند و ذهن خفته جامعه را به بیداری می‌کشاند و متوجه می‌سازد.

۳. شیوه‌های مبارزه و نقادی عطار

عطار نیشابوری برای بیان انتقادات و اعتراض‌هایش، شیوه‌ها و روش‌های گوناگونی را دنبال می‌کند؛ انتخاب روش مبارزه به شرایط جامعه، روحیه مردم، حاکمان عصر و شرایط دیگری بستگی دارد. برخی از این روش‌ها، مبارزه مستقیم است؛ مانند سخنان پندآمیز و اعتراض‌گونه عطار به برخی حاکمان، اما در بیشتر موارد، وی روش‌های مبارزه غیرمستقیم را دنبال می‌کند. این روش‌ها، حسن‌هایی برای خود شاعر دارد که یکی از آنها دورماندن شاعر در آن عصر خفقان سیاسی و اجتماعی از تیررس انواع تهمت‌ها و افتراهاست.

۳-۱. طرح مسائل اخلاقی

طرح برخی مسائل اخلاقی از سوی عطار در شعرهایش در واقع نوعی مبارزه است. این مبارزه گاهی با اربابان زر و ثروت و مال و مکت است و گاهی با صاحبان مقام و قدرت و جاه و شوکت. گاهی نیز او با زاهدان ریایی و عابدان ظاهرنامست که به مبارزه برمی‌خیزد.

این مبارزه، مبارزه‌ای غیرمستقیم است. به این معنا که عطار با طرح یک موضوع اخلاقی یا فضیلت اخلاقی و ستایش فردی که آن فضیلت را داراست، در واقع انتقاد و اعتراض خود را نسبت به کسانی که دارای آن فضیلت نیستند و در نقطه مقابل رذیلت

دیوانگان وسیله‌ای هستند در دست عطار تا تمام مطالب انتقادی خویش را نسبت به دستگاه حکومت، پادشاهان متکبر، زاهدان خودکامه و ریاکاران و ثروتمندان پست و فرومایه به وسیله آنها بیان کند. دیوانگان در حکایت‌های عطار معترض جامعه‌اند

و نابسامانی اوضاع اجتماعی و سیاسی از تیررس انواع افتراها و تهمت‌ها و برچسب‌های سیاسی و دینی و اعتقادی مصون می‌ماند. در حقیقت دیوانگان وسیله‌ای هستند در دست عطار تا تمام مطالب انتقادی خویش را نسبت به دستگاه حکومت، پادشاهان متکبر، زاهدان خودکامه و ریاکاران و ثروتمندان پست و فرومایه به وسیله آنها بیان کند. به عبارت دیگر، دیوانگان در حکایت‌های عطار سخن‌گویان جناح معترض جامعه‌اند.

«عطار در مقام یک شاعر برای بیان حکمت و فلسفه خود، شخصیت‌هایی را می‌آفریند تا مطالب خود را از زبان آنان بیان کند. مهم‌ترین شخصیتی که در مثنوی‌های عطار در نقش یک حکیم و عارف ظاهر می‌شود، «دیوانه» است. دیوانگان عطار همان کسانی هستند که در تمدن اسلامی به «عقلای مجانبین» مشهور شدند. این عنوان در عین ظرافت مایه شگفتی است. شگفتی ما از این عنوان به دلیل تناقضی است که ظاهراً میان مفهوم عقل و جنون وجود دارد. دیوانگانی که در اینجا با ایشان آشنا خواهیم شد و سخنان حکیمانه‌شان را نقل خواهیم کرد، دیوانگان معمولی نیستند. حالت این دیوانگان حالتی است مافوق عقل نه مادون آن. در داستان‌هایی که در مثنوی‌های عطار می‌خوانیم، دیوانگانی را مشاهده می‌کنیم که درباره عمیق‌ترین و عالی‌ترین مباحث فلسفی و مابعدالطبیعی سخن می‌گویند. این شوریدگان فرزانه در مقام معلمان اخلاقی و دینی و منتقدان اجتماعی در میان مردم ظاهر می‌شوند و آنان را نسبت به وظیفه و مسئولیت سنگینی که در این عالم برعهده دارند، آگاه می‌سازند.» (پورجوادی، ۱۳۷۲: ۳۹، ۴۰)

طبق محاسبه‌ای که استاد فروزانفر در «شرح احوال و نقد و تحلیل آثار عطار» کرده‌اند، شیخ عطار در مجموع، ۱۱۵ حکایت درباره این دیوانگان در چهار کتاب الهی نامه (۲۳)، منطق‌الطیر (۱۴)، اسرارنامه (۱۴) و مصیبت‌نامه (۶۴) آورده است که در بین آنها حکایاتی بس دلکش می‌توان یافت. اگر بپهلوی را نیز یکی از این مجنونان و عقلای مجانبین بدانیم، تعداد آنها فریب ۲۰۰ حکایت می‌شود که خود رقم بزرگی است. (اشرف‌زاده، ۱۳۷۳: ۵۹، ۶۰)

«نقل سخنان طنزآلود یا انتقادآمیز منسوب به مجذوبان و دیوانگان در هیچ یک از آثار شعر فارسی به اندازه مثنویات عطار فراوان نیست. این نکته تقریباً یک ویژگی مثنوی‌های عطار محسوب می‌شود. این گونه به نظر می‌رسد که شاعر پاره‌ای از اندیشه‌های شخصی را هم از زبان آنها نقل می‌کند. البته کسانی که در مراتب قدرت جای داشتند و غالباً آماج ویژه این طنزها واقع بودند، آن صدای اعتراض‌آمیز را هرگز به جد تلقی نمی‌کردند؛ از این رو سعی زیادی هم در خاموش کردن آن به کار نمی‌بردند. عام خلق که از دیرباز به خود تلقین کرده بودند سخن راست را باید از دیوانگان شنود، خود در سایه تقیه از گزند مخالفان ایمن می‌ماندند، اما این گونه اقوال را دهان به دهان نقل می‌کردند.» (زرین کوب، ۱۳۷۸: ۲۱)

ادامه مطلب در وبگاه نشریه

اخلاقی دارند، بیان می‌کند. برای مثال، اگر عطار در شعری «اخلاص» را می‌ستاید، در واقع ریاکاران را مورد انتقاد قرار می‌دهد؛ اگر تواضع را می‌ستاید، در واقع غرور و تکبر را نکوهش می‌کند و متکبران را مورد حمله قرار می‌دهد؛ اگر بی‌اعتنایی به ملک دنیا را می‌ستاید و ترویج می‌کند، در واقع می‌خواهد دنیادوستان و شیفتگان زر و ثروت را نکوهش کند.

از این گونه حکایات و تمثیل‌های اخلاقی در مثنوی‌های عطار بسیار فراوان است که ذکر همه نمونه‌های آنها از حوصله و مجال این مقاله بیرون است. تنها برای آشنایی بیشتر با این شیوه مبارزه عطار، به ذکر دو نمونه بسنده می‌کنیم.

عطار برای بیان اعتراض خود نسبت به دنیادوستانی که ادعای دین‌داری دارند، این حکایت را در منطق‌الطیر آورده است. شبلی مدتی در بغداد گم شد و کسی نمی‌دانست که او کجاست. همه جا را در پی او گشتند تا سرانجام او را در مخنث خانه‌ای یافتند؛ در حالی که در میان مخنث‌ها نشسته بود. او را گفتند: این چه جایی است که تو آمده‌ای؟ شبلی پاسخ داد: این قوم در دنیا نه مردند و نه زن؛ من نیز در راه دین مانند ایشانم که نمی‌دانم اهل دینم یا اهل دنیا. پس به میان هم جنسان خود آمدم.

من چو ایشانم، ولی در راه دین

نه زنی در دین نه مردی، چند از این؟

گم شدم در ناجوانمردی خویش

شرم می‌دارم من از مردی خویش (عطار، ۱۳۸۴: ۳۱۷)

در حکایتی دیگر از مثنوی الهی‌نامه، عطار برای بیان فایده قناعت، و نکوهش حرص و طمع این حکایت را می‌آورد: بزرگی بر مکتب‌خانه‌ای گذر کرد. در آنجا چشمش به دو کودک افتاد که پیش یکی نان و خورش بود و در نزد دیگری نان خالی. این یکی از دیگری نان و خورش خواست، دیگری گفت: اگر تو سگ من باشی و مثل سگ دنبال من بیایی، به تو نان و خورش می‌دهم و گرنه باید نان خالی خودت را بخوری! کودک به آن کار راضی شد و همچون سگ از پی کودک دیگر روان شد. آن کودک رشته در گردنش انداخت که: سگ باش و همچون سگ‌ها بانگ برآور و تیز تک باش! آن بزرگ مرد با دیدن این صحنه با او گفت: ای کودک خرد، اگر تو در کارت زیرک بودی، با نان خودت قناعت می‌کردی و از این سگ بودن درامان می‌ماندی. (عطار، ۱۳۸۷: ۳۹۸)

۲-۳. بیان نقد از زبان دیوانگان

شیخ عطار در اغلب حکایت‌هایی که قصد مبارزه با قشری خاص را دارد، دیوانگان را نیز شرکت می‌دهد و داستان‌ها و حکایات خود را با حضور دیوانگان و عقلای مجانبین بیان می‌کند. حضور دیوانگان و بیان نکات اخلاقی از زبان آنان برای عطار فایده‌هایی دارد که یکی از آنها این است که شاعر در آن عصر خفقان